

چه کسانی به تحریف قرآن باور داشتند؟

با وجود اینکه تمام شواهد اصیل تاریخی و متنی گواه است که عقیده به تحریف قرآن در میان شیعیان دو سه قرن نخست مطلقاً شایع نبوده و بعداً هم در سده های کلاسیک اسلام این اندیشه تنها در بخش بسیار محدودی از عالمان شیعی امامی رواجی داشته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، حسن انصاری در یادداشتی نوشت: با این وصف برخی از پژوهشگران در سنت شیعه شناسی غربی تأکید دارند که این عقیده رکنی از تشیع قدیم باطنی بوده است. برخی از این محققین محترم در نوشته های اخیرشان بر این نکته تأکید کرده اند که عقیده به باطنی گرایی در قرآن و دفاع از تفسیر باطن در برابر تفسیر ظاهر قرآن از آنجا نشأت گرفت که در مصحف عثمانی تحریف صورت گرفته بود و نام های اهل بیت پیامبر و به ویژه امیر المؤمنین (ع) از قرآن حذف شده بود و چون درک درست و بی خطای قرآن تحریف شده ممکن نبود بنابراین شیعیان به اندیشه تفسیر باطن قرآن روی آوردند تا با "معرفت رجال" قرآن دین را که همانا معرفت رجال است بشناسند. این سخن بی گفتگو با شواهد تاریخی سازگار نیست. پیشینه عقیده به باطن گرایی برای قرآن کهنتر از عقیده به تحریف قرآن نزد شیعه است. تنها نیم نگاهی به کتاب های ملل و نحل مؤید این سخن خواهد بود.

اینجا سخنی از ابوبکر باقلانی در انتصار را نقل می کنم که به درستی تأکید می کند شیعیان متقدم برخلاف شماری محدود از معاصران باقلانی مطلقاً قائل به تحریف قرآن نبوده اند. عبارت او از این قرار است:

فإن قالوا: قد نقلت الشيعة، و ببعضهم تثبتُ الحجةُ عن مثلهم عن عليٍّ عليه السلامُ أنه أنكر على القوم وخالفهم وعرفهم أن القرآن ناقص مغير محرّف. قيل لهم: هذا بهتٌ منكم وشيءٌ وضعه قوم من غلاتكم، والقادحين في الشريعة، وإلا فما نقل أحد من أسلاف الشيعة في ذلك حرفاً واحداً، بل نُقل أنه كان داخلًا في الجماعة ومُقرّاً بما اتفقوا عليه ومُصوّباً له، وأنه كان يقرئ به ويعلمه، وعلى ذلك الدهماءُ من الشيعة والسواد الأعظمُ إلى اليوم...

گواهی باقلانی بسیار مهم است. اگر در زمان او که هنوز متون کهن حدیث و عقیده شیعی در کتابخانه های بغداد موجود بود این دست احادیث ناظر به تحریف قرآن در اصول و مصنفات شیعه متقدم قابل پیگیری بود باقلانی نمی توانست چنین آشکارا ادعای باطلی در جدل با شیعیان مخالف اظهار کند. ۴